

نقش سرمایه اجتماعی در توسعه روستایی مبتنی بر توان افزایی جوامع محلی؛ مطالعه موردنی: روستای اشتیوان، شهرستان باخرز، استان خراسان رضوی

سید امیرحسین گرانی*، سجاد امیری**، معصومه قربانی***

۱۴۰۱/۱۰/۲۷

تاریخ دریافت مقاله:

۱۴۰۱/۱۱/۱۵

تاریخ پذیرش مقاله:

چکیده

توان افزایی و ظرفیت‌سازی روستائیان و تشكیل‌ها، یکی از پیش‌شرط‌های توسعه پایدار است. یکی از راهبردهای مؤثر در توسعه پایدار روستایی، نقش سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی حاصل تعاملات میان انسان‌ها، سازمان‌ها و نهادها است که مبتنی بر اعتماد و همدلی است و به‌واسطه مشارکت و همکاری اجتماعی تسهیل می‌شود. هدف از این پژوهش، بررسی ابعاد سرمایه اجتماعی (اعتماد و مشارکت اجتماعی) در توسعه روستایی جهت توان افزایی جوامع محلی است. در این پژوهش، سرمایه اجتماعی شبکه جوامع روستای اشتیوان، از طریق تکمیل پرسشنامه تحلیل شبکه‌ای و مصاحبه مستقیم با اعضای گروه‌های خرد توسعه روستایی بررسی می‌شود. پژوهش با رویکرد شبکه‌های اجتماعی انجام گرفت. بنابراین، کارگاه‌های مشارکتی بسیج منابع اجتماعی در روستا برگزار شد که خود زمینه‌ساز تشکیل گروه‌های خرد توسعه روستایی بود. به‌منظور تحقیق توانمندسازی اجتماعی باید مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی مانند مشارکت و اعتماد در میان افراد تقویت شود. پیوندهای اعتماد و مشارکت میان ۱۱۳ عضو در ۱۱ گروه خرد توسعه روستایی با استفاده از شاخص‌های کمی سطح کلان شبکه بررسی شد و سرمایه اجتماعی گروه‌های خرد توسعه در مراحل مختلف قبل و بعد از اجرای پروژه بررسی شد. نتایج نشان می‌دهد که میزان اعتماد، مشارکت و به‌نوعی سرمایه اجتماعی در قبل از اجرای پروژه در حد متوسط و گاه‌آن‌ ضعیف بوده که پس از اجرای این پروژه میزان این مؤلفه‌ها افزایش یافته است. سرعت گردش و تبادل اعتماد و مشارکت بین افراد و نیز اتحاد و یگانگی بین افراد بعد از اجرای طرح افزایش یافته است. به‌طورکلی با توجه به نتایج بدست آمده می‌توان بیان کرد که به دنبال اجرای این پروژه میزان سرمایه اجتماعی درون‌گروهی شبکه افزایش یافته و درواقع می‌توان استدلال نمود که پس از اجرای پروژه، با تقویت سرمایه اجتماعی، تحقق و ارتقای توانمندی جوامع روستایی امکان‌پذیر شده است.

کلمات کلیدی: توان افزایی جوامع محلی، تحلیل شبکه، سرمایه اجتماعی، توسعه روستایی، اشتیوان.

* دانشیار، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

** کارشناس مرکز مطالعات توسعه روستایی، پژوهشکده سوانح طبیعی، تهران، ایران. samiri@ut.ac.ir

*** کارشناس مرکز مطالعات توسعه روستایی، پژوهشکده سوانح طبیعی، تهران، ایران.

مقدمه

سرمایه اجتماعی یک روستا بیان کننده بخشی از پتانسیل های انسانی آن روستا است و برای هر گونه برنامه ریزی به منظور توسعه لازم است که سرمایه اجتماعی آن منطقه نیز مورد بررسی همه جانبه قرار گیرد (دینی ترکمانی، ۱۳۸۵؛ Popovych, 2018). یکی از راهبردها که اخیراً توسط جامعه شناسان و برنامه ریزان توسعه، در بسیاری از کشورهای جهان موردنویجه قرار گرفته و توانسته است نقش مؤثری در توسعه روستاهای به دنبال داشته باشد، نقش سرمایه اجتماعی است. اهمیت سرمایه اجتماعی سبب شده است تا از یک طرف، از آن به عنوان محصول سرمایه گذاری عمده در روابط با دیگران و کاربرد آن در دسترسی متفاوت به منابع متعلق به محله، جوامع، مناطق و بخش‌ها یاد کنند و از طرف دیگر، برای غلبه بر مشکلات اجتماعی گوناگون مانند فقر، جرم و جنایت، اقتصاد کم بازده روستائیان به کار گرفته شود (رومیانی و همکاران، ۱۳۹۵). از این جهت سرمایه اجتماعی یکی از مؤلفه‌های مهم در توسعه به شمار می‌آید که به طور قابل توجهی به توسعه پایدار کمک می‌کند و عموماً زمانی که از مشکلات اقتصادی سخن به میان می‌آید، اغلب کمبود سرمایه فیزیکی را به عنوان یکی از بزرگ‌ترین معضلات نام می‌برند و از سرمایه اجتماعی هیچ سخنی به میان نمی‌آید. این در حالی است که نیاز به سرمایه اجتماعی در شرایط رکود و تورمی که نیاز به اعتمادسازی است، بیش از هر سرمایه دیگری احساس می‌شود و در کنار سرمایه دیگر می‌تواند بسیاری از معماهای لایحل اجتماعی را از سر راه حرکات توسعه‌ای جامعه بردارد و رشد شتابان اقتصادی، اجتماعی را امکان‌پذیر نماید (اکبریان و همکاران، ۱۳۹۶). از پیش شرط‌های توسعه پایدار، ظرفیت‌سازی و توانمندسازی اجتماعی روستائیان است، که برای

مفهوم توسعه هم ابعاد کمی و هم ابعاد کیفی دارد و تأکید بر جنبه‌های کمی بدون در نظر داشتن جنبه‌های کیفی و بر عکس به مفهوم توسعه نیست (جمعه پور، ۱۳۸۴). توسعه روستایی یعنی فرایند توامندسازی و تقویت قابلیت زندگی از نظر کیفیت زندگی، کیفیت محیط به کارایی اقتصادی و کیفیت محیط بیوفیزیکی در نواحی روستایی (مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۲). بسیاری از کارشناسان و صاحب‌نظران امور اقتصادی و اجتماعی به خوبی به این نکته واقف‌اند که در برنامه‌های توسعه کشور (مانند برنامه‌های عمرانی پنج‌ساله)، نمی‌توان فقط به بعد مادی یا رشد اقتصادی توجه داشت، زیرا این روند، در چند دهه گذشته مشکلات اجتماعی و فرهنگی را نادیده گرفته و در میان‌مدت و درازمدت حاصلی جز زیان و درنهایت ایجاد موانع در راه پیشرفت همه جانبه و توسعه پایدار در کشور تیجه‌ای در برنداشته است. لذا لازمه دستیابی به توسعه، تحول اجتماعی مردمی است و تحول اقتصادی و تحرکی دولتی هرگز کافی ناست. توسعه راستین در روند مشارکت فراگیر اجتماعی و نه در تولید کالای اقتصادی حاصل می‌شود (صالحی و همکاران، ۱۳۹۵). توسعه روستایی هم به عنوان یکی از مباحث توسعه با چالش‌های فراوانی روبرو است. یکی از این مباحث عدم توجه به سرمایه اجتماعی در بین روستائیانی است که به صورت هزاران خردۀ فرهنگ در پهنه جغرافیایی کشور گستردۀ شده‌اند و شناخت آن روند برنامه‌ریزی توسعه روستایی را برای متخصصان مربوط تسهیل کرده و مشارکت روستائیان را در اجرای بهتر برنامه به همراه دارد (Sharbatiyan et al., 2015). توسعه یک منطقه تنها با تکیه بر منابع طبیعی محدود نیست، بلکه یکی از موارد لازم و اساسی دیگر سرمایه اجتماعی است؛

ادیبات موضوع سرمایه اجتماعی

بهره‌برداری بهینه از امکانات موجود در یک منطقه، توانمندسازی مردم از طریق افزایش سرمایه اجتماعی، آموزش و آشنا کردن مردم با نقش مهمشان در شکوفایی آن منطقه ضروری است (راستین و همکاران، ۱۳۹۳). هدف از این پژوهش بررسی ابعاد سرمایه اجتماعی در توسعه روستایی به منظور توانمندسازی جوامع محلی است.

ایفای نقش مردم، اعتمادسازی و مشارکت آنها در این زمینه، توانمند کردن مدیریت محلی با رویکرد تقویت سرمایه اجتماعی است؛ به طوری که بسیاری از محققان سرمایه اجتماعی را به عنوان حلقه مفقوضشده توسعه پایدار روستایی قلمداد کرده‌اند (Dhesi, 2000).

به عبارتی، سرمایه اجتماعی هم فرایند توسعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد و هم از فرایند توسعه تأثیر می‌پذیرد (Ghaffari, 2011). در این رابطه، سرمایه اجتماعی درون‌گروهی نقش مؤثری بر تصمیم‌گیری بهتر، افزایش میزان مشارکت و نیز همراه با افزایش اعتماد بین گروهی در سطح طایفه، بستر مناسبی برای برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری توسعه‌ای را فراهم نموده است (Azkia & Firoozabadi, 2008). بر این اساس سرمایه اجتماعی در سطح جوامع روستایی سبب جلب مشارکت و همیاری تمام نیروهای مؤثر در حیات جامعه روستایی جایگزین هم‌گرایی به جای تفرق و واگرایی می‌شود (Rezvani & Darban Astaneh, 2012).

به عبارت دیگر سرمایه اجتماعی به عنوان روابط بین اعضای گروه‌ها و اجتماعات معرفی می‌شود که موجب شکل‌گیری اعتماد و تسهیل کنش‌ها می‌شود (Hidri, ۱۳۹۰).

بنابراین سرمایه اجتماعی موضوع رویه‌رشد بسیاری از مطالعات در سال‌های اخیر است و شرط لازم برای پیشرفت هر جامعه‌ای به خصوص جوامع روستایی، گسترش انسجام اجتماعی، بسط مشارکت اجتماعی و از همه مهم‌تر، اعتماد متقابل بین جوامع محلی و نهادهای دیگر است. مضاعف بر این، عاملی مؤثر در رسیدن به توسعه پایدار روستایی است، چرا که توسعه پایدار روستایی بر مشارکت ساکنان محلی، از طریق مذاکره، مشورت و تعامل استوار است که درکی از سهم هریک از ساکنان را در فرایند توسعه فراهم می‌آورد (میری و

از دیدگاه ستی، سرمایه اجتماعی از سه عنصر اساسی تشکیل می‌شود؛ اعتماد، همکاری متقابل و شبکه‌های اجتماعی که به مثابه مزیتی است که جامعه و افراد به وسیله آن بتوانند از مشارکت و همکاری متقابل و Currie & Staneley, (2008). مفهوم سرمایه اجتماعی با توجه به روند جهانی شدن و تضعیف نقش دولتهای ملی، به عنوان راه حلی اجرا شدنی در سطح اجتماعات محلی برای حل مشکلات توسعه، مورد توجه سیاست‌گذاران، مسئولان سیاست اجتماعی و مدیریت محلی قرار گرفته است (Warner, 1999). از ابتدای دهه ۱۹۹۰ میلادی جامعه جهانی تمایل به برانگیختن مشارکت محلی در میان سازمان‌های غیردولتی، مدیران دولتی و نهادهای علمی و دانشگاه را گسترش داده است. امروزه این رهیافت برای کاستن از محدودیت‌های برنامه‌ریزی و مدیریت از بالا به پایین طراحی می‌شود (Ericsson, 2004)؛ به طوری که نظارت مردم محلی بر مسائل مربوط به محل خود، یکی از عناصر مهم توسعه روستایی است و این به معنای کمک آن‌ها برای مشارکت در تصمیم‌گیری و افزایش مهارت‌های مربوط به چگونگی رفع مشکلات است (Saleh Nasab, 1992: 25).

بدین ترتیب، یکی از ابزارهای مهم در جهت دستیابی به توسعه روستایی،

(۲۰۰۰) سرمایه اجتماعی برون‌گروهی را به عنوان پل ارتباطی گروه‌های اجتماعی گوناگون تعریف می‌کند؛ در حالی که سرمایه اجتماعی درون‌گروهی تنها گروه‌های هم جنس را به هم‌دیگر پیوند می‌دهد. به عبارت دیگر، سرمایه اجتماعی درون‌گروهی محدود، به پیوندهای اجتماعی اشاره دارد که بر تشابه و صمیمیت استوار است و بر پیوندهای خانوادگی، همسایگی و پیوندهای دوستی نزدیک تأکید دارد. سرمایه اجتماعی درون‌گروهی همگنی را حفظ نموده و سبب تحریک اتحاد می‌شود و مانند چسب در جامعه‌شناسی برای حفظ وفاداری و مشارکت در گروه‌ها به کار می‌آید (قربانی و همکاران، ۱۳۹۵). با توجه به اهمیت سرمایه اجتماعی به عنوان عامل اساسی در نیل به اهداف توسعه روستایی (ریاحی و همکاران، ۱۳۹۲)، هدف از این پژوهش، بررسی و تحلیل نقش سرمایه اجتماعی درون‌گروهی از طریق روش تحلیل شبکه اجتماعی در دو بازه زمانی قبل و بعد از اجرای یک پروژه توانمندسازی جوامع روستایی اجتماع محور، بر میزان مشارکت جوامع محلی روستای اشتیوان از توابع شهرستان باخرز استان خراسان رضوی است. قابل ذکر است که این گروه‌های خرد توسعه به دنبال اجرای پروژه توانمندسازی جوامع محلی طرح آبادانی و پیشرفت جامع شکل گرفته است.

اعتماد

اعتماد نه تنها یک جنبه مهم از تعاملات اجتماعی است بلکه مؤلفه مرکزی و شاخص کلیدی در بحث سرمایه اجتماعی است (Murayama et al., 2014). اعتماد به عنوان عامل توسعه و یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، در پژوهش‌های زیادی به عنوان مؤلفه‌ای کلیدی در تاب‌آوری و خروجی مدیریت موفق جوامع محلی و توسعه پایدار روستایی در نظر گرفته

همکاران، ۱۳۸۹). امروزه سرمایه اجتماعی، نقش بسیار مهم‌تر از سرمایه فیزیکی و انسانی در سازمان‌ها و جوامع ایفا می‌کند و شبکه‌های روابط جمعی و گروهی، انسجام‌بخشی میان انسان‌ها، میان سازمان‌ها و میان انسان‌ها و سازمان‌ها با سازمان‌ها است. در غیاب سرمایه اجتماعی، سایر سرمایه‌ها اثربخشی خود را از دست می‌دهند و بدون سرمایه اجتماعی، پیمودن راه‌های توسعه و تکامل فرهنگی و اقتصادی، ناهموار و دشوار است (احمدی، ۱۳۹۶). دو مؤلفه مهم و اساسی سرمایه اجتماعی، مشارکت و اعتماد است که در یک تعامل دوسویه، سرمایه اجتماعی را شکل می‌دهند (قربانی و همکاران، ۱۳۹۵). به طور کلی میزان سرمایه اجتماعی در هر گروه یا جامعه‌ای، نشانگر میزان اعتماد افراد به یکدیگر است (شمسی و همکاران، ۱۳۹۴). سرمایه اجتماعی مفهومی کلان است که در برگیرنده ابعادی مانند اعتماد و مشارکت است. مشارکت به معنی تعهدی مشترک برای انجام فعالیتی معین است که در آن پیگیری اقدامات به صورت توافقی و آگاهانه انجام می‌شود (شريقيان ثانی، ۱۳۸۱) و بعد دیگر سرمایه اجتماعی اعتماد است که در واقع پيش شرط مشارکت و همکاری بوده و بقا و پایداری روابط بين کنشگران به اعتماد افراد به یکدیگر وابسته است. اعتماد به معنای باور به عملی است که از دیگران انتظار می‌رود. مشارکت و اعتماد به صورت دو متغير وابسته به یکدیگر دیده شده‌اند، یعنی اعتماد ناشی از زندگی معاشرتی قوی است و در عین حال به صورت خودانگیخته تقویت انجمن‌ها را تسهیل می‌کند. نظریه سرمایه اجتماعی فرض می‌کند که به طور کلی هرچه بیشتر با دیگران پیوند داشته باشیم، نشانگر اعتماد بیشتر ما با آن‌ها و به عکس خواهد بود (Putnam, 1995). سرمایه اجتماعی به دو گروه درون‌گروهی و برون‌گروهی تقسیم می‌شود. پاتنم

پژوهش‌های متعدد توسعه روستایی نشان می‌دهد مشارکت در نهادهای اجتماعی، انسجام میان گروهی در میان اقسام جامعه روستایی، اعتماد و ارتباطات اجتماعی و احترام و آگاهی به حقوق اجتماعی افراد، سرمایه اجتماعی را پذید می‌آورد و دستیابی به هدف‌هایی را ممکن می‌سازد که در نبود آن‌ها، این دستاوردهای غیرممکن و پرهزینه می‌شود (Coleman, 1990, 1990). از این‌رو جوهره اصلی مشارکت را باید در فرایند درگیری، فعالیت و تأثیرپذیری دانست (علوی تبار، ۱۳۷۹). از سوی دیگر، کسی که مشارکت فعال نداشته باشد، قادر به بهره‌وری از فرصت‌هایی که برای او در جامعه پیش می‌آید، نیست و به نوعی منزوی شده، دچار طرد اجتماعی^۱ می‌شود (De Haan, 2001).

روش تحقیق

منطقه مورد مطالعه

برای پیشبرد اهداف این تحقیق، به ارزیابی سرمایه اجتماعی روستای اشتیوان از توابع شهرستان باخرز در استان خراسان رضوی پرداخته شد. شهرستان باخرز در جنوب شرقی استان خراسان رضوی قرار دارد که از شمال به شهرستان تربت‌جام، از جنوب به شهرستان خوفا، از شرق به شهرستان تایباد و از غرب به شهرستان زاوه محدود شده است. شهرستان باخرز به لحاظ ساختار اداری سیاسی از دو بخش، چهار دهستان و یک شهر و ۵۴ روستا تشکیل شده است. روستای اشتیوان واقع در شرق شهرستان باخرز (تصویر شماره ۱)، ۸۶۷ نفر جمعیت در قالب ۱۵۶ خانوار دارد. عمدۀ ساکنان روستا به کشاورزی و دامداری مشغول هستند. به منظور سنجش و ارزیابی خصوصیات ساختاری سرمایه اجتماعی شبکه ذی‌نفعان محلی مرتبط با پروژه توامندسازی جوامع روستایی، در دو بازه زمانی قبل و بعد از اجرای پروژه از روش تحلیل شبکه‌ای بهره برده

شده است (Stern & Baird, 2013). اعتماد برای تمامی روابط و سیستم‌های اجتماعی ضروری است، زیرا سبب کاهش نافرمانی می‌شود و رسیدن به اهداف را تسهیل می‌کند (Barber, 1983). درواقع، اعتماد معیاری کلیدی و اساسی برای شروع مدیریت مشارکتی در میان همه کنشگران درگیر در فرایند مدیریت مشارکتی، توسعه اعتماد و روابط متقابل آن‌ها است (Davenport et al., 2007). اعتماد، راهبردی است که افراد را قادر می‌سازد تا خود را با محیط‌های اجتماعی پیچیده وقیع دهنده و بدین‌وسیله از فرصت‌های فزاینده سود ببرند (Earle et al., 1995). از سوی دیگر، بی‌اعتمادی مسیرهای ارتباطات را مسدود می‌کند، موجب جدایی اعضای جامعه از یکدیگر می‌شود و فرصت‌های مربوط به تعاون و همکاری را از بین می‌برد (Ghaffari, 2011). بنابراین، در زمینه توامندسازی و توسعه پایدار محلی، بررسی و ارزیابی شبکه روابط اعتماد، بسیار مهم است.

مشارکت

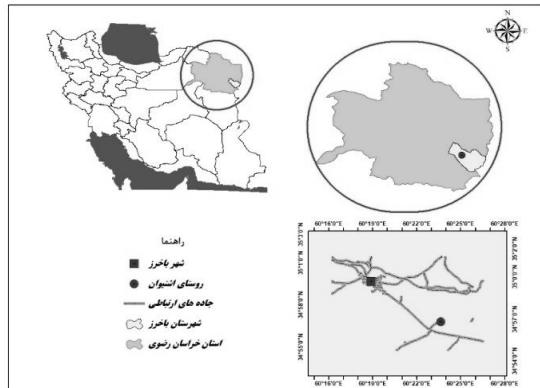
مشارکت، مؤلفه دیگری برای سرمایه اجتماعی و وجه اساسی و در عین حال گم شده توسعه پایدار در روستاهای است (گل شیری اصفهانی و همکاران، ۱۳۸۸). مشارکت همچنین فرایندی است که طی آن، افراد از طریق احساس تعلق به گروه و شرکت فعالانه و داوطلبانه در آن، به طور ارادی به فعالیت اجتماعی دست می‌زنند. به تعبیر دیگر، مشارکت تعهدی مشترک برای انجام دادن فعالیتی معین است که در آن، پیگیری اقدامات به صورت توافقی و آگاهانه صورت می‌گیرد (شریفیان شانی، ۱۳۸۰). مشارکت اجتماعی بر فعالیت‌های داوطلبانه و ارادی دلالت می‌کند که از طریق آن‌ها اعضای یک جامعه در امور محله و روستا شرکت می‌کنند (گرجی کرسامی و بابایی کارنامی، ۱۳۹۶).

تحلیل شبکه اجتماعی (SNA)^۱ نام دارد. روش تحلیل شبکه‌ای بر اساس معیارها و شاخص‌های کمی قادر است روابط اجتماعی و تبادلات اقتصادی بین افراد را در قالب ساختاری شبکه‌ای دیداری کند که این مهم مدیران و برنامه‌ریزان را در تحلیل ذی‌نفعان و تصمیم‌گیری بهینه برای توانمند شدن جامعه روستایی یاری می‌کند. ملاک تعیین معیارها و شاخص‌ها سند برنامه عمل پایش و ارزیابی شبکه‌های اجتماعی سیاستی در توانمندسازی جوامع روستایی است (Ghorbani, 2015). سرمایه اجتماعی به عنوان منافذ ساختاری شبکه تنها با فرض وجود دوسویگی^۲ و روابط دوچاره و مقابل قابل بررسی است و نباید آن را صرفاً از طریق ارزیابی شاخص تراکم^۳ محض که پیوندهای اجتماعی را بدون در نظر گرفتن دوسویگی آن‌ها بررسی می‌کند، قضاوت کرد. بنابراین در این تحقیق، قبل و بعد از اجرای پروژه این شاخص‌ها بررسی شده است که در ادامه به معرفی هر شاخص پرداخته شده است:

تراکم شبکه

تراکم در شبکه اطلاعاتی، به عنوان نسبت گره‌های اطلاعاتی موجود در شبکه، به تعداد حداکثر گره‌های ممکن تعریف می‌شود. تراکم بالای شبکه نشان‌دهنده میزان بالای انسجام در بین افراد است. همان‌گونه که پیش از این نیز اشاره شد، مطابق نظریه بارت، میزان بسته بودن شبکه هم ارز با میزان انسجام یعنی ساختار درونی شبکه و پیوندهای درون‌گروهی به یک میزان است (Bodin & Prell, 2011). این شاخص به صورت نسبت تعداد همه پیوندهای موجود به همه پیوندهای ممکن تعریف می‌شود. میزان این شاخص بین صفر تا یک و نیز صفر تا ۱۰۰ درصد متغیر است (Jatel, 2013). این شاخص نیز معرف میزان همبستگی شبکه است (Bastani & Raeesi, 2011).

شد. به این ترتیب، با استفاده از شیوه‌های پیمایشی، ابتدا گروه‌های هدف شامل افراد در هر گروه خرد توسعه روستایی اشتیوان شناسایی شدند. این تحقیق در سطح شبکه روابط ذی‌نفعان محلی در داخل هر زیرگروه خرد توسعه روستایی یکدیگر بررسی شده است. در حالت اول تأکید بر خصوصیات ساختاری سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و در حالت دوم تحلیل خصوصیات ساختاری سرمایه اجتماعی برونوگروهی مدنظر قرار گرفته است. تعداد افراد پرسش‌شونده در این تحقیق ۱۱۳ نفر در قالب ۱۱ گروه خرد توسعه روستایی است. بر این اساس، پرسشنامه تحلیل شبکه‌ای تدوین و از طریق مشاهده مستقیم و مصاحبه با هریک از افراد تکمیل شد. در این تحقیق روش شبکه کامل برای انتخاب جامعه آماری در نظر گرفته شده است که کل اعضای شبکه را بررسی می‌کند. درنهایت داده‌های جمع‌آوری شده در نرم‌افزار Ucinet نسخه ۶ وارد شد و با روش تحلیل شبکه اجتماعی شاخص‌های مدنظر تحلیل شد.



۱. موقعیت جغرافیایی منطقه مورد مطالعه در استان و شهرستان

روش تحلیل شبکه

در علوم اجتماعی، رویکرد ساختاری که مبنی بر مطالعه کنش‌های متقابل میان کنسلگران اجتماعی است،

به منظور تعیین ميزان پايداري شبکه روابط و ميزان مقابل بودن پيوندهاي اعتماد و مشاركت از اين شاخص استفاده مى شود. هرچه ميزان اين شاخص در شبکه روابط ييشتر باشد، نشاندهنه بالا بودن ميزان روابط مقابل سازنده بين افراد حاضر در شبکه است و Leahy & Anderson, 2008 پايداري شبکه روابط را تضمين مى کند.

انتقال يافنگي^۵ پيوندها در شبکه

اين شاخص از به اشتراك گذاری پيوندها بين سه فرد که يكی از آنها پل ارتباطی بين دو فرد ديگر است، حاصل مى شود. هرچه تعداد افراد انتقالدهنده پيوندها ييشتر باشد، ميزان اين شاخص بالاتر است و در نتيجه پايداري و دوام روابط را در بين کنشگران به دنبال دارد (Mohamadi Kangarani & Mohamadi, 2014).

کوتاه‌ترین فاصله ميان دو کنشگر (ميانيگين فاصله ژئودزيك)^۶

اين شاخص نشاندهنه ميزان کوتاه‌ترین مسیر در بين دو جفت کنشگر بر اساس پيوندهاي اعتماد و مشاركت است. هر چه ميزان اين شاخص کمتر باشد، سرعت گرددش و پخش اعتماد و پيوندهاي مشاركتي در بين افراد و ميزان اتحاد و يگانگي در جامعه ييشتر مى شود، بنابراين زمان کمتری برای اعتمادي سازی در شبکه موردنیاز است و هماهنگ ساختن افراد در شبکه برای اجرای مدیریت مشاركتي با زمان کمتری موافق خواهد بود (Sepehri & Riahi, 2010).

يافه‌ها

برای بررسی شاخص‌های مختلف تحلیل شبکه‌ای در سطح زیرگروه‌های روستا، هریک از ۱۱ گروه به عنوان شبکه کاملی در نظر گرفته شده است. نتایج به دست آمده از شاخص تراکم نشان از آن دارد که در مرحله قبل از

اجrai پروژه در ارتباط با پيوند اعتماد، زيرگروه فردوسی و بنفسه به ترتیب با ۹۱/۱ و ۸۶/۵ درصد بيشترین ميزان شاخص تراکم را در پيوندهاي اعتماد و مشاركت به خود اختصاص داده‌اند و بيشترین ميزان بسته بودن شبکه و سرمایه اجتماعی درون‌گروهی را نیز در بين گروه‌های مختلف دارند. همچنین کمترین ميزان بسته بودن شبکه، انسجام و سرمایه اجتماعی درون‌گروهی در اين مرحله متعلق به گروه نياز با ميزان ۱۸/۹ درصد است. در مرحله بعد از اجرai پروژه نیز گروه‌های فردوسی و حسام بيشترین ميزان تراکم در هر دو پيوند اعتماد و مشاركت را داشته و به اين ترتیب انسجام و سرمایه اجتماعی درون‌گروهی بيشتری در مقایسه با ديگر گروه‌های موجود در روستا دارند (جدول شماره ۱). به طورکالی ميزان زياد اعتماد و مشاركت در بين افراد منجر به تسهيل در به اشتراك گذاري منابع و تقويت روابط بين اعضای گروه مى شود و نقش مؤثری در توسعه پايدار روستايی و اجرai موفق پروژه خواهد داشت. ازاين رو، دستيابی اين مهم در روستاي اشتياوان را مى توان به برگزاری کارگاه‌های مشاركتي و برنامه‌ريزی ترويجي و آموزشي در خلال اجرai پروژه و به منظور دستيابي به مدیرiyت مشاركتي جوامع محلی و توسعه پايدار روستايی نسبت داد.

نتایج شاخص دوسوييگي نشان مى دهد که در مرحله قبل از اجرai پروژه گروه بصيرت و فردوسی بيشترین و کمترین ميزان شاخص دوسوييگي را به ترتیب در دو پيوند اعتماد و مشاركت داشته‌اند که اين مقدار در گروه فردوسی با ۸۲/۲ درصد بيشترin و گروه بصيرت با ۱۲/۵ درصد کمترین ميزان شاخص دوسوييگi را به ترتیب در پيوندهاي مشاركت و اعتماد دارد. وجود تفاوت معنادار ميان اعتماد و مشاركت در اين دو گروه

چالش محسوب می‌شود که نیاز است با تقویت روابط متقابل در هر دو گروه، همبستگی میان اعتماد و

ج. ۱. میزان شاخص تراکم در سطح زیرگروه‌های خرد توسعه روستای اشتبان

مرکز اکولوژیک	روستای اشتبان	گروه	نوع پیوند	تعداد افراد	تراکم (درصد)	مرحله قبل از اجرای پروژه	مرحله بعد از اجرای پروژه
فردوسي		اعتماد	۱۰	۸۲/۹	۹۸/۴۳	۸۲/۹	۹۷/۱
وحدت		مشارکت	۱۰	۹۱/۱	۱۰۰	۳۵/۵	۳۵/۵
سینما		اعتماد	۱۱	۳۸/۵	۹۴/۵	۳۸/۵	۷۷/۸
حاجت		مشارکت	۱۰	۷۷/۸	۹۴/۴	۳۱/۱	۳۱/۱
حسام		اعتماد	۱۰	۳۵/۶	۹۶/۷	۳۶/۷	۳۶/۷
تلاش		مشارکت	۱۰	۳۶/۷	۱۰۰	۴۷/۸	۴۷/۸
احسان		اعتماد	۱۰	۵۸/۹	۹۷/۸	۸۱/۱۱	۸۱/۱۱
نیاز		مشارکت	۱۰	۱۸/۹	۸۸/۹	۱۸/۹	۲۸/۹
بنفسه		اعتماد	۱۳	۸۶/۵	۹۸/۵	۷۵	۳۲/۱۱
بصیرت		مشارکت	۸	۲۶/۳	۹۲/۹	۲۶/۳	۲۶/۳
برکت		اعتماد	۱۰	۷۷/۳	۹۸/۷	۷۷/۳	۷۷/۳
		مشارکت	۱۰	۷۸/۹	۱۰۰		

(جدول شماره ۲).

در مرحله بعد از اجرای پروژه همچنین دو گروه بنفسه و احسان با ۹۷/۷۸ و ۹۸/۲۳ درصد بیشترین شاخص دوسویگی پیوندها را در هر دو پیوند اعتماد و مشارکت به خود داشته‌اند و با نهادینه شدن پیوندهای اعتماد و مشارکت در این دو گروه و پاییندی به سنت‌های محلی در بین تمام اعضا، شاهد گروهی منسجم با پایداری زیاد و سرمایه اجتماعی درون‌گروهی بسیار قوی خواهیم بود که با بسیج جامعه محلی و افزایش توانمندی اعضای گروه، تقویت تابآوری در برابر تنش‌های محیطی و اجتماعی و درنهایت دستیابی به مدیریت مشارکتی روستایی را به دنبال خواهد داشت. در ادامه نتایج شاخص انتقال‌یافتنی نشان می‌دهد که گروه فردوسی و نیاز به ترتیب بالاترین و پایین‌ترین میزان این شاخص را در مرحله قبل از اجرا پروژه دارند.

در مرحله بعد از اجرای پروژه دو گروه بنفسه و احسان با ۹۸/۲۳ و ۹۷/۷۸ درصد بیشترین شاخص دوسویگی پیوندها را در هر دو پیوند اعتماد و مشارکت به خود داشته‌اند و با نهادینه شدن پیوندهای اعتماد و مشارکت در این دو گروه و پاییندی به سنت‌های محلی در بین تمام اعضا، شاهد گروهی منسجم با پایداری زیاد و سرمایه اجتماعی درون‌گروهی بسیار قوی خواهیم بود که با بسیج جامعه محلی و افزایش توانمندی اعضای گروه، تقویت تابآوری در برابر تنش‌های محیطی و اجتماعی و درنهایت دستیابی به مدیریت مشارکتی روستایی را به دنبال خواهد داشت. در ادامه نتایج شاخص انتقال‌یافتنی نشان می‌دهد که گروه فردوسی و نیاز به ترتیب بالاترین و پایین‌ترین میزان این شاخص را در مرحله قبل از اجرا پروژه دارند.

و بحران‌های محیطی و اجتماعی متزلزل خواهد بود. به همین دلیل نیاز است که با رفع چالش‌های پیش روی

ج. اندازه شاخص دوسویگی و انتقال یافتنگی پیونددها در سطح زیرگروه‌های خرد توسعه روستایی اشتیوان

مرکز اکولوژیک	روستایی اشتیوان	گروه	نوع پیوند	تعداد افراد	مرحله قبل از اجرای پروژه	مرحله بعد از اجرای پروژه	دوسویگی (درصد)	انتقال یافتنگی (درصد)	دوسویگی (درصد)	مرحله قبل از اجرای پروژه	مرحله بعد از اجرای پروژه	دوسویگی (درصد)	انتقال یافتنگی (درصد)	دوسویگی (درصد)	مرکز اکولوژیک									
فردوسی		اعتماد	مسارکت	۱۰	۷۸/۲	۸۷/۹	۹۶/۱۳	۹۶/۱۲	۹۴/۱۳	۹۴/۱۲	۹۶/۱۳	۸۷/۹	۸۷/۴	۹۶/۶۵	۹۲/۱۸									
وحدت		اعتماد	مسارکت	۱۱	۱۸/۱۸	۲۲/۶۷	۹۲/۵	۸۷/۰۳	۸۷/۰۳	۹۲/۵	۹۲/۰۳	۲۲/۶۸	۱۸/۱۸	۱۸/۱۸	۹۲/۰۳									
سینا		اعتماد	مسارکت	۱۰	۱۷/۸	۱۴/۷۴	۸۸/۸۹	۸۸/۰۷	۸۸/۰۷	۸۸/۵۷	۸۸/۰۷	۱۴/۷۴	۱۷/۸	۸۸/۸۹	۸۷/۰۳									
حسام		اعتماد	مسارکت	۱۰	۱۶/۶۷	۱۵/۶۶	۸۸/۶۴	۸۱/۸۵	۸۱/۸۵	۹۱/۰۶	۹۳/۳۳	۱۶/۴۴	۲۸	۱۰	۹۱/۰۶									
حجت		اعتماد	مسارکت	۱۰	۲۶/۹۲	۱۷/۱۰	۹۷/۴۳	۹۶/۳۵	۹۷/۴۳	۸۴/۸۷	۸۸/۸۹	۲۹/۰۳	۲۶/۴۷	۱۰	۸۴/۸۷									
تلاش		اعتماد	مسارکت	۱۱	۳۸/۴۵	۳۳/۱۳	۹۲/۷۳	۹۰/۳۶	۹۰/۳۶	۸۳/۵	۸۷/۲۷	۱۹/۰۳	۱۳/۰۴	۱۱	۸۳/۵									
احسان		اعتماد	مسارکت	۱۰	۳۵/۹۰	۳۴/۵۹	۹۵/۰۶	۹۳/۳۳	۹۳/۳۳	۷۴/۹۶	۸۱/۸۲	۱۱/۶۸	۱۲/۸۵	۱۰	۷۴/۹۶									
نیاز		اعتماد	مسارکت	۱۰	۳۹/۴۵	۳۳/۹	۸۶/۶۷	۸۵/۹۶	۸۵/۹۶	۷۶/۲۰	۸۲/۷۱	۱۵	۱۲/۵۰	۸/	۷۶/۲۰									
بنفسه		اعتماد	مسارکت	۱۳	۷۵/۳۲	۷۰/۴۴	۹۷/۴۵	۹۶/۳۷	۹۶/۳۷	۷۷/۲۰	۸۲/۷۱	۲۸/۳۱	۱۸/۱۸	۸/	۷۷/۲۰									
بصیرت		اعتماد	مسارکت	۱۰	۵۳/۴۹	۵۴/۱۸	۹۸/۲۳	۹۷/۴۳	۹۷/۴۳	۸۳/۴۵	۸۵/۱۸	۵۴/۶۰	۵۳/۴۹	۱۰	۸۳/۴۵									
برکت		اعتماد	مسارکت	۱۰	۶۱/۳۶	۶۰/۴۲	۹۶/۳۹	۹۳/۱۴	۹۳/۱۴	نتایج جدول شماره ۳، حاکی از آن است که در مرحله قبل از اجرای پروژه کوتاه‌ترین فاصله بین دو کنشگر در پیوند اعتماد و مشارکت برای گروه فردوسی با میزان ۱/۰۸ درصد است. این نتیجه بیانگر اتحاد و یگانگی بسیار زیاد بین اعضای این گروه در مرحله قبل از اجرای پروژه است که باعث می‌شود افراد در این گروه‌ها با سرعت بیشتری به یکدیگر دسترسی داشته باشند. همچنین قبل از اجرای پروژه بیشترین میزان میانگین فاصله ژئودزیک در پیوند اعتماد و مشارکت به ترتیب متعلق به گروه بصیرت و حسام است. این گروه‌ها در مرحله قبل از اجرا در مقایسه با دیگر گروه‌ها، بین اعضای خود کمترین اتحاد و یگانگی را داشتند و گرددش اعتماد و مشارکت و هماهنگی به‌منظور														

مدیریت پایدار و مشارکتی بین آنان با سرعت بسیار کمتری صورت می‌گیرد. بعد از اجرای پروژه و با افزایش روابط بین اعضای گروه‌ها، میزان میانگین فاصله ژئودزیک نیز کاهش یافته است و افراد یگانگی و اتحاد بیشتری نسبت به قبل از اجرا پیدا کرده‌اند و درنتیجه با سرعت بیشتری به یکدیگر دسترسی خواهند داشت. گروه‌های فردوسی، حسام و بنفسه کوتاه‌ترین فاصله بین دو کنشگر در مرحله بعد از اجرا در پیوند اعتماد و مشارکت را به خود اختصاص داده‌اند. درنتیجه بعد از اجرای پروژه زمان کمتری برای هماهنگ ساختن افراد در این گروه‌ها برای مدیریت منبع مشخصی صرف می‌شود و درنهایت اعتمادسازی و فعالیت‌های جمعی در این گروه‌ها سریع‌تر از سایر گروه‌ها اتفاق خواهد افتاد.

نتایج جدول شماره ۳، حاکی از آن است که در مرحله قبل از اجرای پروژه کوتاه‌ترین فاصله بین دو کنشگر در پیوند اعتماد و مشارکت برای گروه فردوسی با میزان ۱/۰۸ درصد است. این نتیجه بیانگر اتحاد و یگانگی بسیار زیاد بین اعضای این گروه در مرحله قبل از اجرای پروژه است که باعث می‌شود افراد در این گروه‌ها با سرعت بیشتری به یکدیگر دسترسی داشته باشند. همچنین قبل از اجرای پروژه بیشترین میزان میانگین فاصله ژئودزیک در پیوند اعتماد و مشارکت به ترتیب متعلق به گروه بصیرت و حسام است. این گروه‌ها در مرحله قبل از اجرا در مقایسه با دیگر گروه‌ها، بین اعضای خود کمترین اتحاد و یگانگی را داشتند و گرددش اعتماد و مشارکت و هماهنگی به‌منظور

ج. ۳. شاخص میانگین فاصله ژئودزیک در پیوند اعتماد و مشارکت در زیرگروه‌های خرد توسعه روستای اشتیوان در مرحله قبل و بعد از اجرای پروژه

میانگین فاصله ژئودزیک		تعداد افراد	نوع پیوند	گروه	مرکز اکولوژیک
مرحله بعد از اجرای پروژه	مرحله قبل از اجرای پروژه				
۱	۱/۲۵	۱۰	اعتماد	فردوسی	روستای اشتیوان
۱	۱/۰۸	۱۰	مشارکت		
۱/۰۵	۱/۳۵	۱۱	اعتماد	وحدت	روستای اشتیوان
۱/۱۴	۱/۴۵	۱۱	مشارکت		
۱/۰۵	۱/۶۵	۱۰	اعتماد	سینما	روستای اشتیوان
۱/۰۷	۱/۷۹	۱۰	مشارکت		
۱/۰۳	۱/۹۰	۱۰	اعتماد	حسام	روستای اشتیوان
۱	۱/۸۱	۱۰	مشارکت		
۱/۰۵	۱/۵۳	۱۰	اعتماد	حجه	روستای اشتیوان
۱/۰۶	۱/۳۷	۱۰	مشارکت		
۱/۰۳	۱/۴۱	۱۱	اعتماد	تلاش	روستای اشتیوان
۱/۰۶	۲/۱۱	۱۱	مشارکت		
۱/۰۲	۱/۴۲	۱۰	اعتماد	احسان	روستای اشتیوان
۱/۰۱	۱/۱۸	۱۰	مشارکت		
۱/۱۱	۱/۳۶	۱۰	اعتماد	نیاز	روستای اشتیوان
۱/۰۶	۱/۸۱	۱۰	مشارکت		
۱	۱/۱۳	۱۳	اعتماد	بنشه	روستای اشتیوان
۱/۰۲	۱/۲۵	۱۳	مشارکت		
۱/۰۷	۲/۰۲	۸	اعتماد	بصیرت	روستای اشتیوان
۱/۰۸	۲	۸	مشارکت		
۱	۱/۲۷	۱۰	اعتماد	برکت	روستای اشتیوان
۱/۰۳	۱/۲۴	۱۰	مشارکت		

اجتماعی هستند (سعیدی، ۱۳۸۳). وجود سرمایه اجتماعی در جوامع محلی، از عوامل کلیدی توسعه پایدار روستایی محسوب می‌شود. استفاده از سرمایه اجتماعی با توجه به روند جهانی شدن و تضعیف نقش دولت‌های ملی، به عنوان راهی برای توانمندسازی جوامع محلی در مواجهه با جهانی شدن معرفی شده است و در سطوح محلی، برای غلبه بر ضرر اجتماعی بسیار اهمیت دارد (Alston, 2001). به عبارت دیگر، سرمایه اجتماعی را می‌توان سرمایه‌ای حاصل از تعامل‌های اجتماعی افراد در شبکه‌های مختلف اجتماعی دانست که نتیجه آن، شکل‌گیری سطحی از مشارکت مردمی برای دستیابی به اهداف جمعی است که زمینه توسعه پایدار را فراهم می‌کند (کاظمیان و شفیعی، ۱۳۹۳). اعتماد اجتماعی یک بعد از سرمایه

نتیجه

امروزه اهمیت سرمایه اجتماعی به منظور رسیدن به توسعه روستایی، موضوع رو به رشد بسیاری از مطالعات است. ارتقای شاخص‌های سرمایه اجتماعی می‌تواند از طریق بهبود عملکرد درونی مدیریت محلی در ارتباط با دو مؤلفه اعتماد و مشارکت، بسترساز بهبود مشارکت ذی‌نفعان جوامع محلی در طرح‌ها و برنامه‌های محیطی - اکولوژیکی، اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی و کالبدی - فضایی در فرایند توسعه همه‌جانبه روستایی باشد. به عبارتی، شرط لازم برای پیشرفت هر جامعه‌ای به خصوص جوامع روستایی، توسعه همه‌جانبه، ایجاد روابط گرم، گسترش انسجام اجتماعی، بسط مشارکت اجتماعی و از همه مهم‌تر اعتماد متقابل (فرد، جامعه و دولت) است که این سازه‌ها از مؤلفه‌های سرمایه

را شناسایی نمایند. در این تحقیق بین سرمایه اجتماعی بر پایه دو بعد مشارکت و اعتماد اجتماعی در بین ذی نفعان محلی با سنجش شاخص هایی مانند تراکم، دوسویگی، انتقال یافتگی و میانگین فاصله ژئودزیک ارزیابی شده است. بر اساس نتایج بدست آمده در این روستا، میزان تراکم در پیوند اعتماد و مشارکت بعد از اجرای پروژه افزایش یافته است و اجرای پروژه سبب توسعه اعتماد، مشارکت و سرمایه اجتماعی در سطح گروه های مختلف خرد توسعه شده است که می توان آن را به برگزاری کارگاه های مشارکتی و برنامه های ترویجی و آموزشی و بسیج جوامع محلی در طول اجرای پروژه و در راستای اجرای موفق پروژه و دستیابی به مدیریت مشارکتی جوامع محلی در مسیر توسعه روستایی نسبت داد. به طور کلی بالا بودن میزان اعتماد و مشارکت در بین افراد باعث خواهد شد میزان تراکم و انسجام اجتماعی افزایش یافته و سرمایه اجتماعی شبکه ذی نفعان محلی با سرعت بیشتری تحقق یابد و درنتیجه مدیریت مشارکتی جوامع محلی به منظور توسعه روستایی به صورت مطلوب در منطقه شکل بگیرد. نتایج تحقیقات مختلف قربانی (۲۰۱۵)، سالاری (۲۰۱۴) و دی هان^۷ (۲۰۰۱) نیز مؤید این مطلب است. وجود اعتماد و مشارکت متقابل باعث می شود که شبکه ای پایدار ایجاد شود که در آن روح اعتماد، همکاری، تعامل و تعاون و همچنین پایبندی به سنت ها و عرف های محلی در بین افراد نهادینه گردد. این امر منجر به افزایش سرمایه اجتماعی شده و برنامه ریزی مشارکتی در توسعه پایدار روستا با هزینه و زمان کمتری همراه بوده و سبب تقویت فرایندهای مشارکتی در برنامه ریزی های مربوط به توسعه روستایی خواهد شد (سالاری، ۲۰۱۴؛ قربانی، ۲۰۱۵). میانگین فاصله ژئودزیک در دو پیوند اعتماد و مشارکت در روستای

اجتماعی است. اعتماد اجتماعی سطح اطمینان مردم به یکدیگر است، مبنی بر اینکه سایرین طبق انتظار عمل می کنند و آنچه می گویند قابل اطمینان است. مشارکت اجتماعی دلالت بر گسترش روابط بین گروهی در قالب انجمن های داوطلبانه و گروه هایی دارد که معمولاً خصلتی محلی و غیردولتی دارند و هدف شان مشارکت و درگیر ساختن مردم در فرایندهای اجتماعی مختلف در قالب سیاست های اجتماعی است (محسنی تبریزی، ۱۳۹۶). اعتماد اجتماعی نه تنها یک جنبه مهم از تعاملات اجتماعی است بلکه مؤلفه مرکزی و شاخص Murayama et al., 2014). به طور کلی دو مؤلفه مهم و اساسی سرمایه اجتماعی یعنی اعتماد و مشارکت از موضوعات پراهمیت و ویژه در توسعه و برنامه ریزی جوامع روستایی است. ایجاد توسعه پایدار روستایی در جوامعی با سرمایه اجتماعی غنی به سهولت انجام می شود، در این زمینه در تحقیقات مختلف تأکید بر وجود رابطه مستقیم میان سرمایه اجتماعی و توسعه پایدار روستایی شده است (افراحته و همکاران، ۱۳۹۳؛ فراهانی و همکاران، ۱۳۹۱؛ Ghorbani et al., 2015؛ Ling et al., 2015؛ Moyes et al., 2015؛ Zhou et al., 2017) در این تحقیق پایش و ارزیابی سرمایه اجتماعی درون گروهی در بین کلیه اعضای گروه های خرد توسعه روستای اشتیوان که تحت پوشش پروژه ایرانی مشارکتی و توامندسازی جوامع روستایی است، انجام شده است. روش و ابزار تحقیق، تحلیل شبکه اجتماعی بوده که رویکردی نوین در برنامه ریزی برای مدیریت مشارکتی و طرح های توسعه روستایی است و محققان با مطالعه شبکه های اجتماعی و تحلیل مؤلفه های اجتماعی با استفاده از روش تحلیل شبکه قادر هستند چالش های پیش روی فرایندهای مشارکتی در توسعه پایدار محلی

اشتیوان قبل از اجرای پروژه به ترتیب ۱/۴۸ و ۱/۵۴ درصد است که بیانگر سرعت متوسط گردش اعتماد و اتحاد و یگانگی و مشارکت افراد روستایی است و پس از اجرای این پروژه این میزان کاهش یافته و به مقدار ۱/۰۳ و ۱/۰۴ درصد برای دو پیوند اعتماد و مشارکت رسیده که نشانگر سرعت به نسبت بالای گردش اعتماد و مشارکت در بین افراد است. درواقع با توجه به اهمیت زمان و سرعت هماهنگ کردن در بحث مدیریت مشارکتی، تقویت پیوند اعتماد و بهویژه مشارکت برای افزایش سرعت گردش این پیوند در بین افراد و به دنبال آن کاهش زمان هماهنگی و اتحاد بین افراد در راستای استقرار مدیریت مشارکتی جوامع روستایی بسیار مهم است که نتایج سایر محققان مانند قربانی (۲۰۱۵) و سالاری و همکاران (۲۰۱۴) نیز این ادعا را مورد تأکید قرار داده است.

درنهایت می‌توان بیان کرد شناخت و استفاده آگاهانه از سرمایه اجتماعی درون و برون‌گروهی فرصتی برای نهادسازی و ظرفیتسازی در جهت مشارکت در توسعه پایدار روستایی است (شفیعی، ۱۳۹۲). از طرفی با توجه به نتایج به دست آمده در این میان روشن است که روابط درون‌گروهی و برون‌گروهی نقش بسزایی در ایجاد ارتباط و هماهنگ‌سازی میان مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی (اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی) و نیز ارتقای سرمایه اجتماعی ایفا می‌کند و به این ترتیب بستر مناسبی برای توانمندسازی جوامع روستایی و نیز شکل‌گیری و تحقق مدیریت مشارکتی روستایی را فراهم می‌سازد (Bodin & Prell, 2011). در این مقاله بر بعد سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و برون‌گروهی به عنوان عامل مؤثر بر تقویت و حفظ اتحاد و وفاداری در افراد و نیز بر پایداری و ثبات منطقه با حفظ سرمایه اجتماعی در بلندمدت تأکید شده است (قربانی و

پی‌نوشت

1. Social Exclusion
2. Social Network Analysis
3. Reciprocity
4. Density
5. Transitivity
6. Geodesic distance
7. De Haan

فهرست منابع

- احمدی، منیزه. (۱۳۹۶). تحلیلی بر اثرات سرمایه اجتماعی در اخلاق زیست‌محیطی روستائیان مطالعه موردي: دهستان چایپاره بالا؛ شهرستان زنجان. نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی، ۶۱(۲۱)، ۳۵-۱۹.
- افراخته، حسن، عزیزی، اصغر؛ مهر علیتبار فیروزجایی، مرتضی. (۱۳۹۳). نقش سرمایه اجتماعی بر توسعه روستایی

- شماره ۸، ۵۵-۴۲.
- شفیعی، مهدی. (۱۳۹۲). مدیریت مشارکتی منابع طبیعی و برنامه ریزی توسعه روستایی، مشهد: انتشارات شعراء.
 - شمسی، زهرا؛ محب علیپور، منیره؛ الوداری، حسن. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر رفتار شهروندی سازمانی، مدیریت سرمایه اجتماعی، شماره ۱، ۱۱۷-۱۱۳.
 - صالحی، رضا؛ نعمتی، مرتضی؛ امان پور، سعید. (۱۳۹۵). سنجش و تحلیل سرمایه اجتماعی شهری (مطالعه موردی: نسیم شهر)، فصلنامه مطالعات برنامه ریزی شهری، سال سوم، شماره ۱۴۵-۱۷۲.
 - علوی تبار، علیرضا. (۱۳۷۹). مشارکت در اداره امور شهرها، بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها، جلد اول، تهران: انتشارات سازمان شهرداری های کشور.
 - فراهانی، حسین؛ عبدالی، سمیه؛ چراغی، مهدی. (۱۳۹۱). ارزیابی اثرات سرمایه اجتماعی در توسعه نواحی روستایی با تأکید بر کیفیت زندگی (مطالعه موردی: دهستان مشهد، میقان شهرستان اراک)، فصلنامه علمی پژوهشی برنامه ریزی منطقه ای، سال دوم، شماره ۸، ۶۷-۷۸.
 - قربانی، مهدی؛ جعفریان، وحید؛ بیزانی، محمد رضا و عبدالشاه نژاد، مهسا. (۱۳۹۵). تحلیل شبکه سیاست گذاری و انسجام سازمانی دست اندر کاران بخش منابع طبیعی در استان سمنان، نشریه مرتع و آبخیزداری، شماره ۱، ۱۶۶-۱۵۵.
 - کاظمیان، غلامرضا؛ شفیعی، سعید. (۱۳۹۳). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی ساکنان با پایداری توسعه در محله غیررسمی شمیران نو، مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۲، ۱-۲۴.
 - گرجی کرسامی، علی و بابایی کارنامی، علی. (۱۳۹۶). بررسی نقش سرمایه اجتماعی در مشارکت کشاورزان در تعاونی های تولید کشاورزی چهاردانگه ساری، مجله تعاون و کشاورزی، دوره ۶، شماره ۲۴، ۱۵۰-۱۲۹.
 - گلشیری اصفهانی، زهرا؛ خادمی؛ حسین؛ صدیقی، علیرضا و تازه، مهدی. (۱۳۸۸). تأثیر انسجام اجتماعی بر میزان مشارکت روستائیان (مطالعه موردی: بخش گندمان، شهرستان بروجن). فصلنامه روستا و توسعه، شماره ۱، ۱۶۷-۱۴۷.
 - محسنی تبریزی، علیرضا، (۱۳۹۶). بررسی زمینه های مشارکت روستائیان و ارتباط آن با ترویج کشاورزی، معاونت ترویج و مشارکت مردمی، وزارت جهاد کشاورزی، تهران.
 - مطیعی لگرودی، حسن. (۱۳۸۲). برنامه ریزی روستایی با دهستان چهاردانگه، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال چهاردهم، شماره ۲۴، ۴۷-۲۵.
 - اکبریان رونیزی، سعید رضا؛ رضا علی، منصور؛ چهارراهی، ذبیح الله. (۱۳۹۶). تحلیل وضعیت سرمایه اجتماعی شهری (مطالعه موردی: شهر استبان، استان فارس). فصلنامه مطالعات و برنامه ریزی سکونتگاه های انسانی، دوره دوازدهم، شماره ۲، ۲۸۹-۲۷۵.
 - بریمانی، فرامرز؛ راستی، هادی؛ دهانی، میثم؛ جهان تیغ، راضیه. (۱۳۹۷). تحلیل رابطه فقر و سرمایه اجتماعی؛ مطالعه موردی: سکونتگاه های مرزی استان سیستان و بلوچستان، فصلنامه پژوهش های روستایی، دوره ۷۰، شماره ۳۸، ۴۵۳-۴۳۸.
 - جمعه پور، محمود. (۱۳۸۴). مقدمه ای بر دیدگاه ها و روش های برنامه ریزی روستایی، سمت، تهران.
 - حیدری، رهبر. (۱۳۹۰). تأثیر سرمایه اجتماعی بر ارتقاء سیاست گذاری، مطالعات روابط بین الملل، دوره ۱۴، شماره ۱۵، ۲۵۳-۲۱۹.
 - دینی ترکمانی، علی. (۱۳۸۵). تبیین افول سرمایه اجتماعی، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، دوره ۶، شماره ۲۳، ۱۷۱-۱۴۷.
 - راستین، محمد؛ خاتمی، سید وحید؛ نوچه، محمد هادی؛ میرعماد، سید حسن و گلیوری، احمد. (۱۳۹۳). نقش توانمندسازی زنان در مدیریت پایدار منابع طبیعی (مطالعه موردی: روستای فروان در طرح بین المللی مدیریت پایدار منابع آب و خاک حبله رود، استان سمنان، اولین همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی، مشهد).
 - رومیانی، احمد؛ عنابستانی، علی اکبر و ولایی، محمد. (۱۳۹۵). تحلیلی بر اثرات سرمایه اجتماعی بر روی توسعه پایدار روستایی مطالعه موردی: دهستان رومشگان غربی شهرستان کوهدهشت. فضای جغرافیایی، ۱۵.
 - ریاحی، وحید؛ جمشیدی، علیرضا؛ جمینی، داود و چراغی، رامین. (۱۳۹۲). بررسی و ارزیابی سرمایه اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین روستائیان (مطالعه موردی: منطقه اورامانات استان کرمانشاه)، مجله پژوهش و برنامه ریزی روستایی، شماره ۱: ۴-۲۴.
 - سعیدی، عباس. (۱۳۸۳). مبانی جغرافیای روستایی، چاپ پنجم، انتشارات سمت، تهران.
 - شریفیان ثانی، میریم. (۱۳۸۰). مشارکت شهروندی، حکمرانی شهری و مدیریت شهری، فصلنامه مدیریت شهری،

تأکید بر ایران، جهاد دانشگاهی مشهد.

- میری، جوان؛ حسن؛ افروخته، و شایان، حمید. (۱۳۸۹). نقش

سرمایه اجتماعی در توسعه روستایی مطالعه موردي: منطقه

پشت آب سیستان، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره

چهاردهم، ۲۹-۴۹.

- Leahy, E. and Anderson, H., 2008. Trust Factors in Community-water Resources Management Agency Relationships. *Journal of Landscape and Urban Planning*, 87(2): 100–107.
- Ling, Q., Huang LU, H., & Wang, X., 2015, Social capital, member Participation, and Cooperative Performance: Evidence from China's Zhejiang. *International Food and Agribusiness Management Review*, 18, 1, 49- 78.
- Mohamadi kangarani, H. and Mohamadi, E., (2014). Introduction to methodology of social networks (Translation), University of Hormozgan.
- Mousavi, M. (2012). [Social participation as a component of social capital (Persian)]. *Social Welfare Quarterly*, 6(23), 67-92.
- Moyes, D., P. Ferri, F. Henderson and G. Whittam, 2015, The stairway to heaven? The effective use of social capital in new venture creation for a rural business, *Journal of Rural Studies*, 39, 11-21.
- Murayama, H., Arami, R., Wakui, T., & Sugawara, L., 2014, Crosslevel interaction between individual and neighborhood socioeconomic status in relation to social trust in a Japanese community. *Urban Studies Journal*, 51, 13, 2770-2786.
- Popovych, A. (2018). Social Capital and Rural Development. *Current Debates Tourism and Development Studies*, 12, R11, Z13.
- Putnam, R. (1995). Tuning in, tuning out: the strange disappearance of social capital in America. *Political Science and Politics*, 28 (4), 664-683.
- Putnam, R. (2000). *Bowling alone: The collapse and revival of American community*. New York: Simon & Schuster.
- Rezvani, M., & Darban Astaneh, A. (2012). Explain the factors affecting rural governance in local government (case studu: Qazvin Township). *Urban Management*. 28, 179-198.
- Salari, F., 2014. Modeling and Analysis of watershed network in resin watershed in Kermanshah (Master's thesis). Department of Natural Resources, University of Tehran.
- Saleh Nasab, Gh. (1992). The Role of Women in Agricultural Development. *Agricultural Research, Education and Extension*. 151, 22-27.
- Sepehri, M. and Riahi, A., 2010. Applying social network analysis to extract knowledge management system needs in knowledge-based organizations, *Science and Technology Policy*, 3(2): 81-93.
- Sharbatian, M.H., A. Bokharaei and P. tavafi, 2015, The study of social capital in rural development (Case study: village of AsadAbad city Torbat-Heidriyeh), *Quarterly Journal of Human Geography*, 7(4), 139-163.
- Stern, M. J. and Baird, T. D (2013), "Trust ecology and the resilience of natural resource management institutions", *Ecology and Society*, No.2: 14-23.
- Warner, F. (1999). Social capital construction and the role of the local state, *Rural Sociology*, 64(3), 120-159.
- Zhou, L., E. Chan and H. Song, 2017, Social capital and entrepreneurial mobility in early-stage tourism development: A case from rural China, *Tourism Management*, 63, 338-350.
- Alston, M. (2001). Social Capital in Rural Australia, Director, Center for Rural Social Research Charles Sturt University.
- Azkia, M., and Firoozabadi, S.A. (2008). Investigation of Social capital in kind's exploitation systems of land and effective factors on conversion peasant exploitation to cooperation. *Social science Letter*, 33(1), 97-111.
- Barber, B. (1983). *The Logic and Limits of Trust*, New Brunswick, NJ: Rutgers University Press.
- Bastani, S. and Raeisi, M., (2011). Network analysis method: use of the entire network approach in the open source community, *Journal of Social Studies*, 5(2): 32-59.
- Bodin, O., & Prell, C. (2011). Social networks and natural resource management: Uncovering the social fabric of environmental governance. Cambridge: Cambridge University Press.
- Coleman, J. S. (1990). Social capital in the creation of human capital. *American Journal of Sociology*, 94, S95-S120.
- Currie, G., & Stanley, J. (2008). Investigating links between social capital and public transport. *Transport Reviews*, 28 (4), 529-547.
- Davenport, M. A., Leahy, J. E., Anderson, D. H. and Jakes, P. J. (2007), "Building trust In Natural Resource Management within Local Communities": A Case Study of the Midewin National Tallgrass Prairie, *Environmental Management*, No 3: 353-368.
- De Haan, A. (2001), Social Exclusion Enriching the Understanding of Deprivation, University of Sussex.
- Dhesi, A. S. (2000). Social Capital and Community Development. *Community Development Journal*, 35(3), 199-214.
- Earle, T. and Cvetkovich, G. T. (1995), *Social Trust: Toward a Cosmopolitan Society*, New York: Prager.
- Ericsson, KA. (2004), Deliberate Practice and the Acquisition and Maintenance of Expert Performance in Medicine and Related Domains. 79 (10), S70-S81.
- Ghaffari, M. (2011). *The Basics of Regional Planning*. Publication of. *The Basics of Regional Planning*. Publication of Planning and Budget Organization, Tehran.
- Ghorbani, M., 2015. The Action Plan of social-policy networks monitoring and assessment in local communities' empowerment and integrated landscape management. Research Institute about empowering local communities and participatory management of natural resources Publishers, university of Tehran.85p.
- Jatel, N., (2013). Using social network analysis to make invisible human actor water governance networks visible – the case of the Okanagan valley, A thesis submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of master of arts in the college of graduate studies (Interdisciplinary Studies)